****

[تتمه بحث سندی کتاب فضل بن شاذان 1](#_Toc487472098)

[کلام آیت الله سیستانی 1](#_Toc487472099)

[مناقشه در کلام آیت الله سیستانی 2](#_Toc487472100)

[دلیل سوم: صحیحه عبد الله بن سنان 2](#_Toc487472101)

[نقد دلیل سوم 3](#_Toc487472102)

[نظر مختار: کفایت سوره حمد در نماز ملحونه در شخص قاصر 4](#_Toc487472103)

[بررسی صحت قرائت ملحونه در شخص مقصر 4](#_Toc487472104)

[کلام محقق خویی ره در قرائت ملحونه در شخص مقصر 4](#_Toc487472105)

[مناقشه در کلام محقق خویی ره 4](#_Toc487472106)

[نظر مختار: اکتفا به قرائت ملحونه حتی در شخص مقصر 5](#_Toc487472107)

**موضوع**: حکم نماز ملحون /نماز طواف /حج، واجبات طواف

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بحث سندی کتاب فضل بن شاذان

### کلام آیت الله سیستانی

آیت الله سیستانی فرموده: کشی در رجال خود می نویسد که فضل بن شاذان می گوید در بچگی ابن فضال را که پیرمرد بود را در کوفه دیدم، (فَعَلِمْتُ بَعْدَهَا أَنَّ مَجِيئَهُ إِلَيَّ وَ أَنَا حَدَثٌ غُلَامٌ وَ هُوَ شَيْخٌ لَمْ يَكُنْ إِلَّا لِجَوْدَةِ النِّيَّةِ[[1]](#footnote-1)) در حالی که ابن فضال 26 سال بعد از شهادت امام رضا علیه السلام فوت کرده است، پس چگونه می شود فضل کودک باشد و ابن فضال پیرمرد باشد و در عین حال امام رضا علیه السلام را نیز درک کرده باشد، زیرا علی القاعده در پیری و اواخر عمر ابن فضال، او را دیده است و این در حالی است که در آن زمان امام رضا علیه السلام از دنیا رفته بودند.

#### مناقشه در کلام آیت الله سیستانی

اما به نظر ما این هم دلیل بر عدم درک فضل بن شاذان نسبت به حضرت رضا علیه السلام نمی شود، زیرا در برخی اشخاص، زود آثار پیری ظاهر می شود، برخی بعد از پنجاه سالگی در ظاهر پیر می شوند، حدث غلام هم صرفا به معنای کودک نیست، حتی اگر 25 ساله بوده باشد و اگر ابن فضال به هنگام فوت، 90 ساله باشد، باز هم ممکن است که در سن 25 سالگی بوده باشد و ابن فضال در سن حدود 60 بوده باشد و او را درک کرده باشد که همزمان شود با زمان حیات حضرت رضا علیه السلام، زیرا شیخ یعنی مسن و نه این که به هرم گرفتار شده باشد.

خلاصه گفتیم این کتاب سه سند دارد که وثوق به صدور آن می آورد و ابن عبدوس هم ثقه است، زیرا صدوق از او زیاد نقل کرده و ترضی کرده است، اما درباره ابن قتیبه تعبیر به فاضل شده است ولی معلوم نیست که فضل علمی است یا فضلی است که لازمه وثاقت است، البته آیت الله زنجانی چنان که قبلا گفتیم، وی را ثقه می داند.

لکن چنان که گفتیم، دلالت این روایت ناتمام است.

### دلیل سوم: صحیحه عبد الله بن سنان

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ مِنَ الصَّلَاةِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ أَ لَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ- لَا يُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ أَجْزَأَهُ أَنْ يُكَبِّرَ وَ يُسَبِّحَ وَ يُصَلِّيَ.[[2]](#footnote-2)

حضرت فرموده دلیل بر این که رکوع و سجود در نماز فریضه است بر خلاف قرائت، این است که اگر کسی نمی توانست قرآن در نماز بخواند، گفته می شود نماز بدون قرائت بخوان و بجای آن تسبیح بخوان، مفهوم روایت این است که اگر بتواند قرآن بخواند، به او گفته می شود قرآن بخوان به مقدار سوره حمد.

#### نقد دلیل سوم

این تعبیر ظهور ندارد در این که بیش از سوره حمد مقصود باشد، لایحسن ان یقرا القرآن، یعنی آن مقداری از قرآن که در نماز های متعارف لازم است، که کنایه از سوره حمد است، زیرا معهود این است که در نماز، سوره حمد خوانده می شود و لذا دیگر القرآن در روایت، ظهور بیش از سوره حمد پیدا نمی کند و لااقل من الشک و لذا احراز اطلاق نمی شود.

لذا اگر دلیل آیت الله سیستانی این روایت باشد که ظاهرا همین باشد، چون روایت فضل را که قبول نداشت و بعید است که به آیه تمسک کند، فرض این روایت کسی است که قرائت قرآن یا سوره حمد را بلد نیست، نه این که مقدار معتد به از سوره حمد را بلد نیست، در حالی که ایشان گفته اگر مقدار معتد به از سوره حمد بلد است، همان را بخواند، و گرنه هم مقدار غیر معتد به را بخواند و هم مقداری دیگر از آیات دیگر قرآن

در حالی که ظاهر روایت این است که کلا سوره حمد را بلد نیست و لذا گفته به جای آن تسبیح بگوید، نه این که نصف سوره حمد را بلد باشد و این فرض اصلا در روایت مطرح نشده است، کما این که روایت سخن از ضمیمه تسبیح به مقدار غیر معتد به از سوره حمد نزده است.

### نظر مختار: کفایت سوره حمد در نماز ملحونه در شخص قاصر

به نظر ما کسی که در قرائت نمازش غلط زیاد دارد، عرفا می تواند سوره حمد بخواند و روایت ناظر به کسی است که اصلا نمی تواند سوره حمد بخواند و در این صورت روایت فرموده باید به جای قرائت، تسبیح بگوید.

هر آن چه گذشت در شخص قاصر بود و لذا به نظر ما غیر مقصر اگر مقداری از سوره حمد بلد است که عرفا بگویند قرآن می خواند، باید همان مقدار را در نماز بخواند و از او مجزی خواهد بود و اطلاقاتی که قبلا مطرح شد، شامل این فرد می شود، اما اگر عرفا نتواند سوره حمد بخواند، باید به مقدار سوره حمد تسبیح بگوید و اگر شک کنیم که آیا ضمیمه تسبیح به مقداری که می تواند از سوره حمد بخواند، واجب است، اصل برائت از وجوب آن جاری می شود.

## بررسی صحت قرائت ملحونه در شخص مقصر

### کلام محقق خویی ره در قرائت ملحونه در شخص مقصر

اما اگر کسی مقصر باشد، محقق خوئی فرمود مشمول این روایات که نیست و باید طبق قاعده عمل کند، زیرا علم اجمالی دارد یا نماز فرادی با قرائت ملحونه بر او واجب است و یا شرکت در نماز جماعت و یا استنابه، و لذا باید هر سه کار را انجام دهد.

#### مناقشه در کلام محقق خویی ره

ما قبلا به این بیان اشکالی کردیم که شما می گویید نماز جماعت در طواف در حالات عادی معهود و مشروع نیست، اما در حق این شخص که متمکن از قرائت صحیحه نیست، نماز جماعت مشروع است، در حالی که چنین دلیلی وجود ندارد.

اما بعد از دقت معلوم شد که محقق خوئی ادعاء نکرده است که دلیل بر مشروعیت نماز جماعت در نماز طواف در غیر حال اختیار داریم، بلکه فرموده دلیل بر عدم مشروعیت آن نداریم و چون احتمال مشروعیت می دهیم، علم اجمالی تشکیل می شود.

لکن اشکال ما به محقق خوئی این است که علم اجمالی مذکور در کلام ایشان دقیق نیست، زیرا نسبت به این که نماز فرادی با قرائت ملحونه بخواند یا نماز جماعت، احتمال تخییر می رود، در حالی که علم اجمالی در صورتی شکل می گیرد که احتمال تخییر نرود، و گرنه برائت از تعین هر کدام جاری شده و نتیجه تخییر خواهد شد.

ولی کافی است که احتمال تخییر بین وجوب نائب گرفتن و وجوب نماز طواف توسط خود مکلف ندهیم، زیرا این احتمال موهوم و غیر عرفی است و لذا علم اجمالی حاصل می شود که خودش یا نائبش باید نماز بخواند، اما این که خودش هم با جماعت و هم فرادی نماز طواف بخواند دیگر لازم نیست، زیرا احتمال تخییر بین این دو می رود و برائت از تعیین هر کدام جاری می شود و می تواند فرادی نماز طواف بخواند یا با جماعت.

### نظر مختار: اکتفا به قرائت ملحونه حتی در شخص مقصر

اما به نظر ما اقوی حتی در شخص مقصر، اکتفاء به قرائت ملحونه است، و تقصیر او سبب لزوم توبه می شود، اما بالاخره مشمول المحرّم من العجم می باشد و مقصود کسی نیست که لکنت زبان دارد، بلکه شامل کسی هم می شود که خودش به دنبال فراگرفتن قرائت صحیحه عربی نرفته است.

مطلب دیگر این که محقق خوئی در بحث نماز جماعت فرموده: نماز جماعت مسقط واجب است و نه بدل از فرادی و لذا اتیان به مسقط واجب نیست، اما این در جایی است که شخص مقصر نباشد، اما نسبت به شخص مقصری که قرائتش نادرست است، نمی گوییم شرکت در نماز جماعت واجب نیست، زیرا شخص مقصر مستحق عقاب است، ولی اگر در جماعت شرکت کند، دفع عقاب می کند، زیرا تعلم، واجب طریقی برای صحت نماز و سقوط عقاب است، اما اگر فرادی نماز بخواند، نمازش صحیح است، ولی مستحق عقاب بر تفویت نماز با قرائت صحیحه است.

ولی به نظر ما باب توبه برای مقصرین باز است و لکن این شخص، فعلا مشمول روایات مذکور و تعابیر المحرم من العجم و امثال آن است و لازم نیست که در نماز جماعت شرکت کند.

1. [رجال الكشي؛ -- ؛ 516؛ في الحسن بن علي بن فضال الكوفي ؛ ص : 515](http://lib.eshia.ir/10241/1/516) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص42، أبواب ان من لم یحسن الفاتحه و لا غیرها من القران، باب3، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/42/%D9%84%D9%85%20%DB%8C%D8%AD%D8%B3%D9%86%20%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D9%87) [↑](#footnote-ref-2)